

علم أصول الفقه

٨

٢٦-٧-٩٣ اجماع

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

مَا قَدَّمْتُ وَ أَخَّرْتُ

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
- إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (١) وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَشَرَتْ (٢) وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ (٣) وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ (٤) عَلِمْتَ نَفْسٌ مَا قَدَّمْتُ وَأَخَّرْتُ (٥)

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى
اجماع

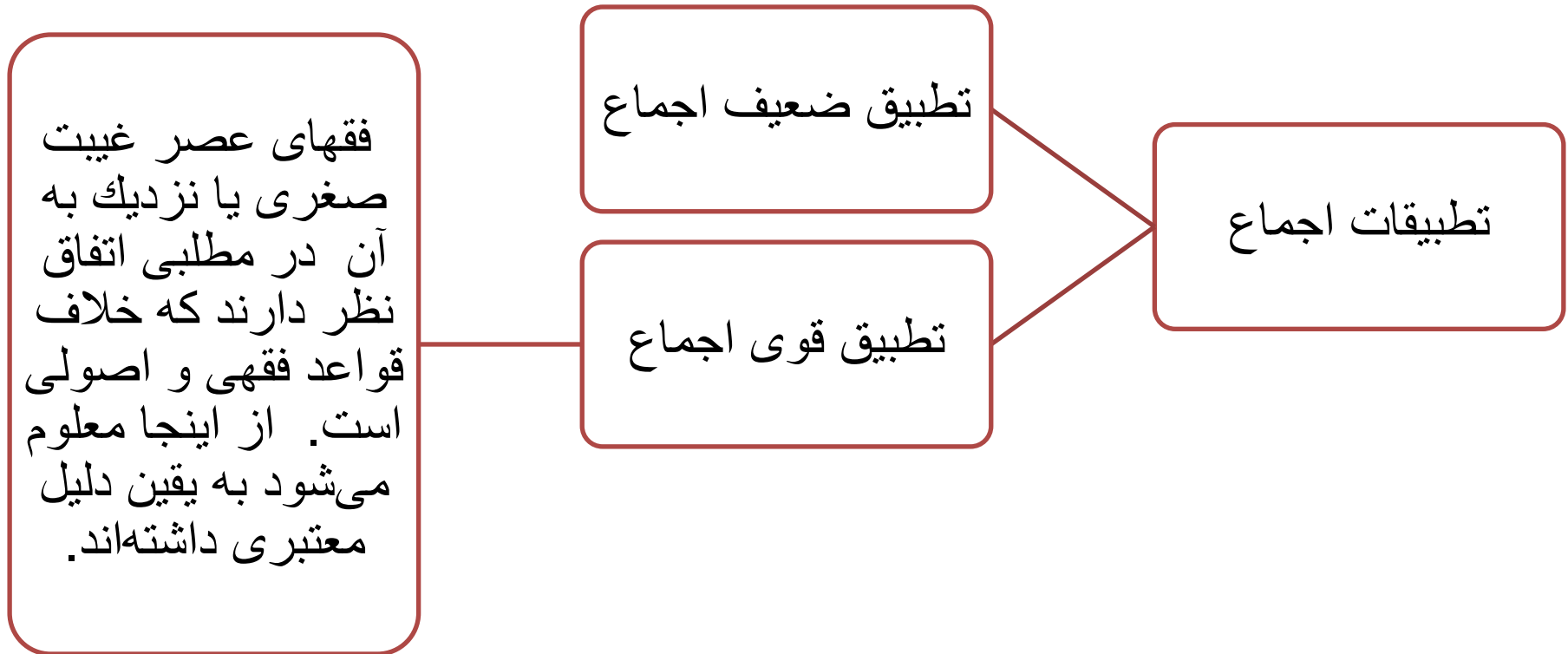
تطبيقات
اجماع

مدرکی داریم کہ
فی حد نفسه قوی
نیست و می خواهیم
با فتاویٰ فقہا
اعتبار و اتقان آن
مدرک را ثابت کنیم

تطبيق ضعيف
اجماع

تطبيق قوى اجماع

تطبيقات اجماع



شبهات مطرح در بحث اجماع

1. تأخر زمانی فقها
از اهل البيت ع

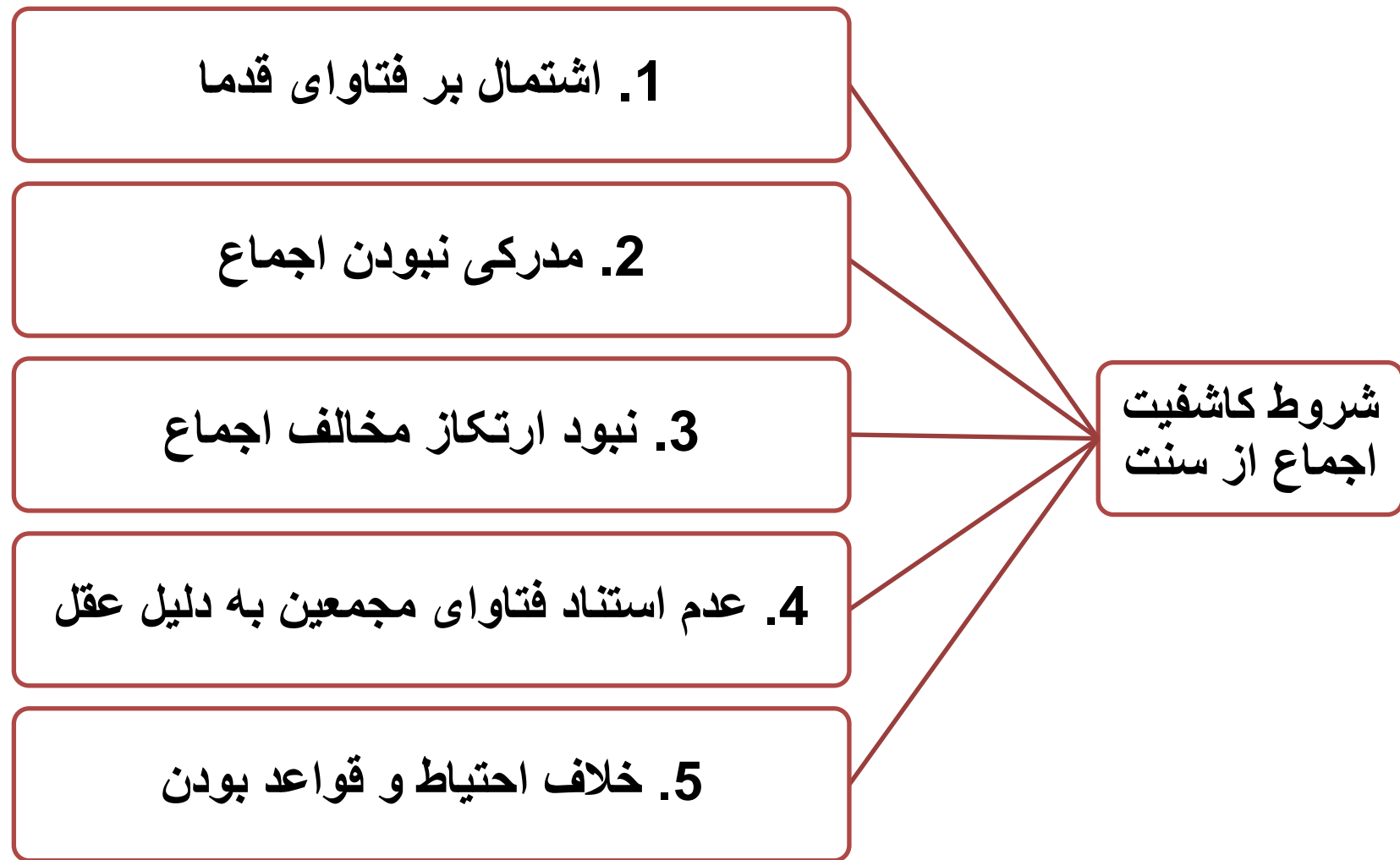
2. چرایی نقل
نکردن مستند

3. منبع مستقل
بودن اجماع

4. عدم امکان
تحصیل اتفاق کل

شبهات مطرح در
بحث اجماع

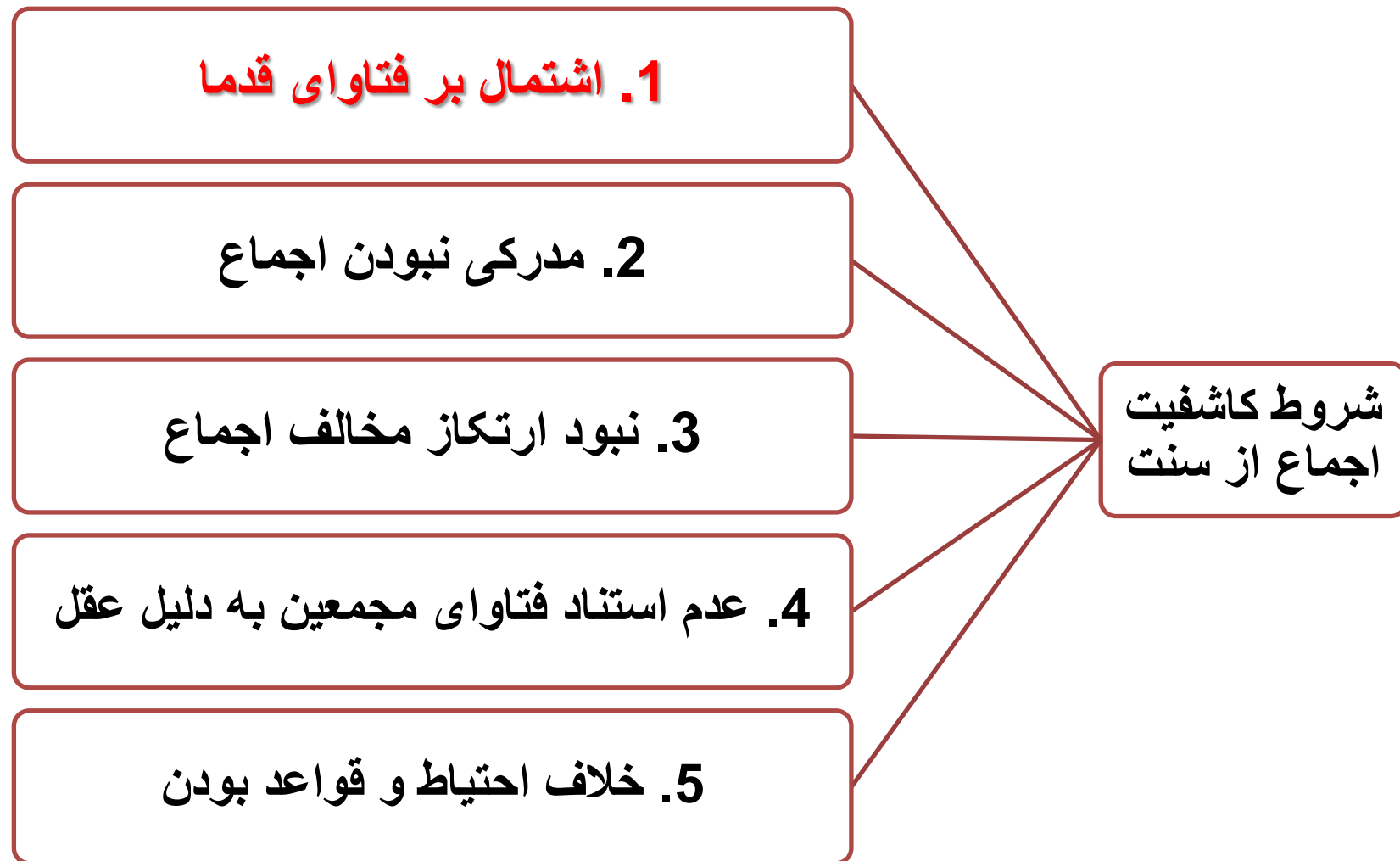
شروط کاشفیت اجماع از سنت



شروط کاشفیت اجماع از سنت

- شروط کاشفیت اجماع از سنت
- شهید صدر - رضوان الله علیه - برای اجماع کاشف چند خصوصیت بر می شمارند.
- این امور پنج شرط است که در واقع به سه مطلب برگشت می کند و ایشان گاهی این شروط را در قالب چهار شرط بیان کرده اند. در واقع در بعضی موارد این شرایط را مبسوط و در مواردی مختصر بیان کرده اند.

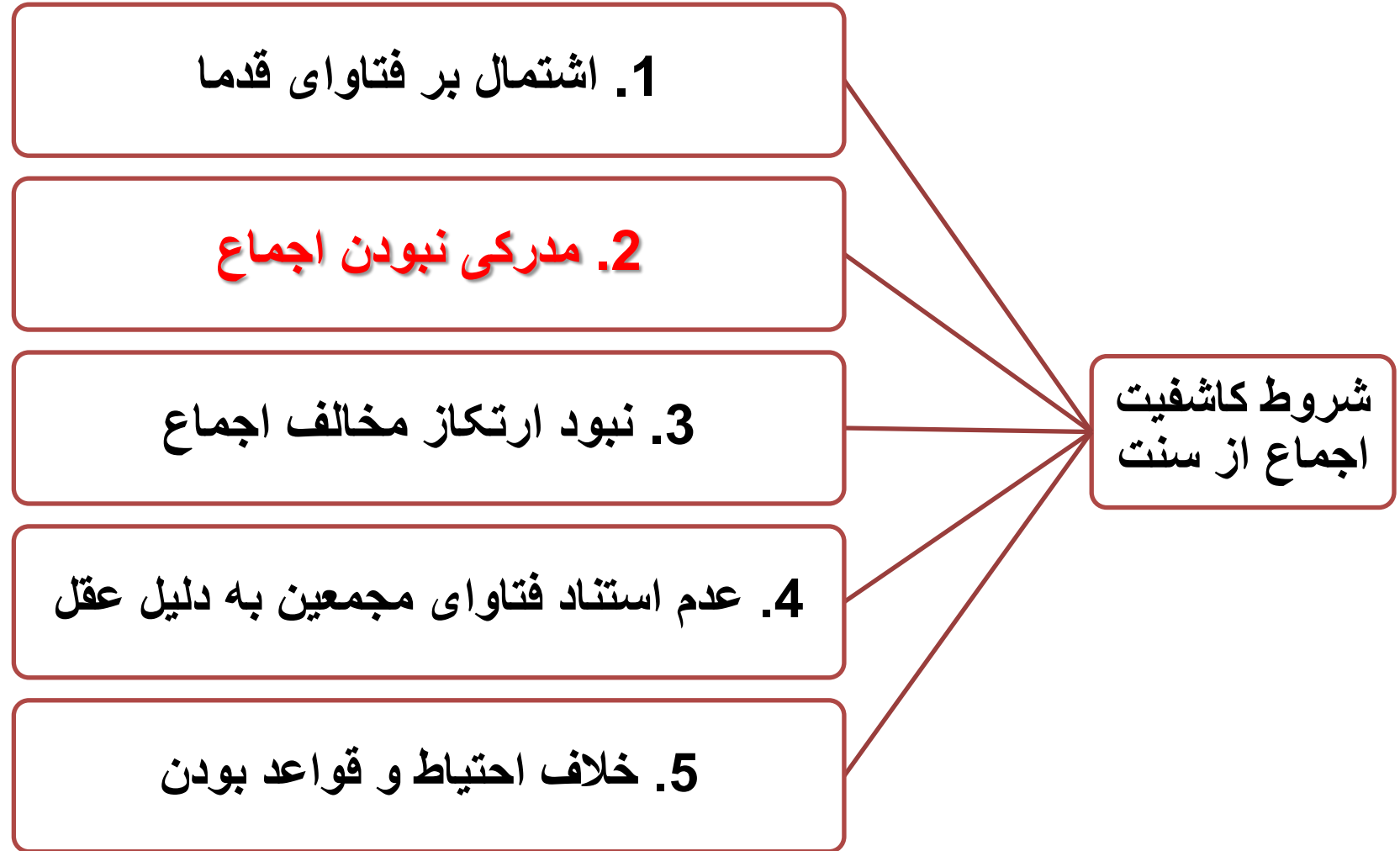
شروط کاشفیت اجماع از سنت



شروط کاشفیت اجماع از سنت

- ۱. اشمال بر فتاویٰ قدما
- اجماعی که به آن تمسک می‌شود، باید شامل آراء و فتاویٰ قدما باشد. در دوران متأخر کمتر این احتمال مطرح هست که مثلاً یک ارتکازی تا زمان محقق حلی - رضوان الله علیه - باقی مانده باشد و محقق تحت تأثیر آن فتوا دهد و بعد آن ارتکاز از میان رفته باشد؛ اما این احتمال هست که تا زمان شیخ طوسی - رضوان الله علیه - و صدوق و فقهای که نزدیک به عصر معصومین - علیهم السلام - بوده‌اند، باقی مانده باشد و آنها تحت تأثیر آن ارتکاز فتوا داده باشند و سپس به مرور ایام بعضی از آنها مشکوک شده یا از بین رفته باشند.

شروط کاشفیت اجماع از سنت



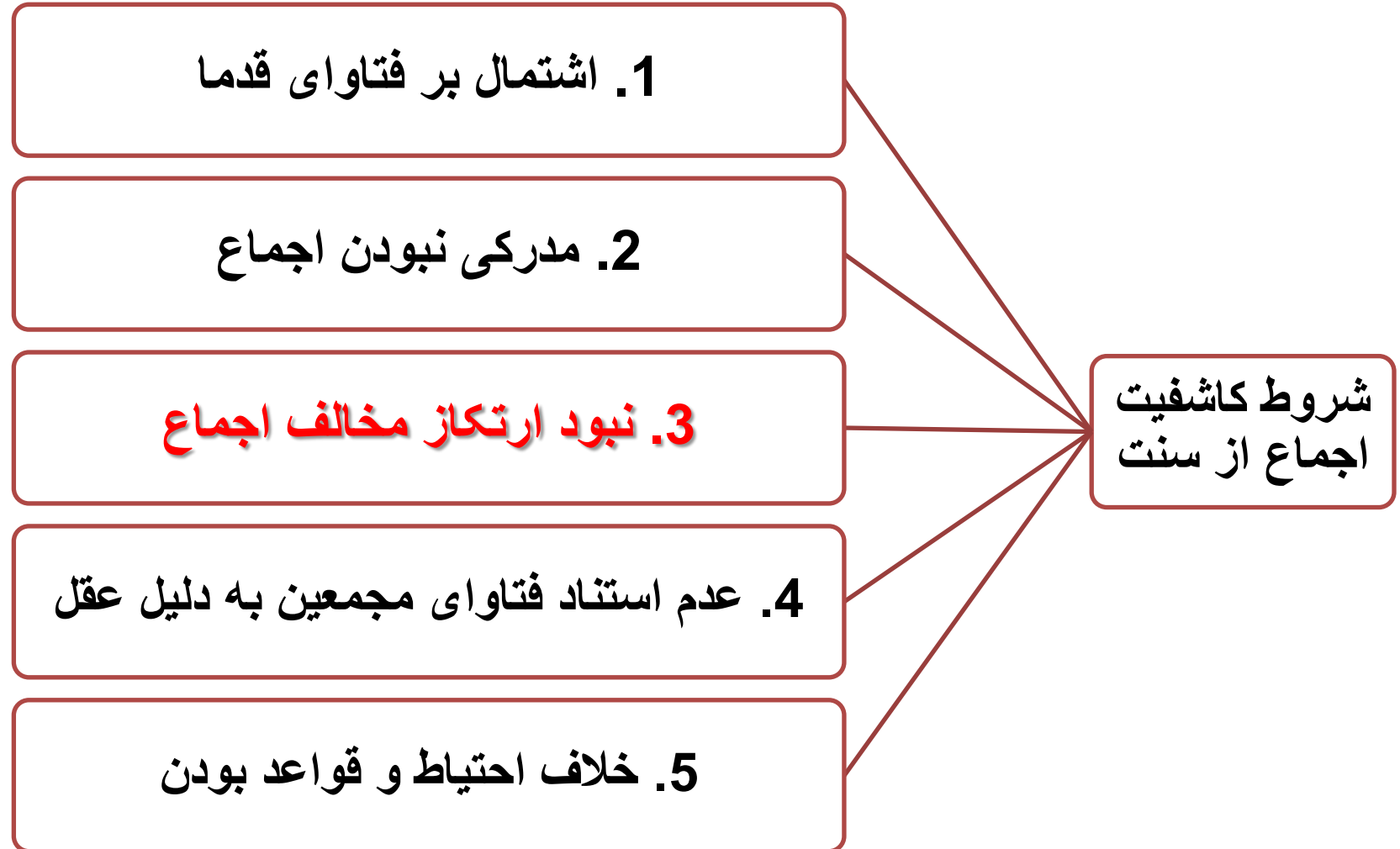
شروط کاشفیت اجماع از سنت

- ۲. مدرکی نبودن اجماع
- اگر اجماع، مدرکی در بین مدارک شرعی داشته باشد؛ یعنی مجمعی مدرک خود در این فتوا را بیان کرده باشند، ما خود آن مدرک را ارزیابی می‌کنیم؛ چنان‌که اگر شیخ طوسی - رضوان الله علیه - می‌فرمود من به اعتبار این روایت این فتوا را داده‌ام، ما به آن روایت نگاه می‌کردیم که آیا سند و دلالت آن تام است یا نه؟ دیگر به اجماع کاری نداریم.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- بنابراین نباید در سخن آنها مستند واضحی برای این فتوا ذکر شده باشد؛ یعنی فقها در این مسأله‌ای که خودشان فتوا داده‌اند، هیچ روایتی را نقل نکرده باشند در حالی که دأب همین فقها این است که حتی روایات ضعیف را هم نقل می‌کنند.

شروط کاشفیت اجماع از سنت



شروط کاشفیت اجماع از سنت

- ۳. نبود ارتکاز مخالف اجماع
- شرط سومی که شهید صدر - رضوان الله علیه - ذکر می کنند این است که ارتکاز کشف شده از اجماع قدما با ارتکاز دیگری **و** قبل از خود مواجه نشود؛ برای مثال در بحث طهارت و نجاست اهل کتاب، می بینیم سید مرتضی - رضوان الله علیه - می گوید نجاست اهل کتاب اجماعی است.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- در حقیقت او ادعا می‌کند فقهای زمان من و قبل من هم نظرشان همین است که اهل کتاب نجس هستند. فرض کنیم سید مرتضی - رضوان الله علیه - شیخ مفید - رضوان الله علیه - و شیخ صدوق - رضوان الله علیه - همه فتوا دهند که اهل کتاب نجس هستند؛ ولی وقتی با مراجعه به دوران ائمه - علیهم السلام - یعنی دوران اصحاب و روات، می‌بینیم بر خلاف ارتکازی که در زمان سید مرتضی - رضوان الله علیه - وجود دارد، در زمان روات ارتکاز این بوده است که این‌ها ذاتا پاک‌اند و بالعرض نجس هستند؛ زیرا راوی این طوری سؤال می‌کند که اهل کتاب شراب می‌خورند یا خوک می‌خورند، آیا می‌توانیم در ظرف‌های این‌ها غذا بخوریم؟ یا لباس این‌ها را استفاده کنیم؟ می‌دانیم در فرضی که اهل کتاب ذاتا نجس باشند، اگر خوک هم نخورند، نجس هستند. مگر نجاست سگ به چیزی که می‌خورد مربوط است!

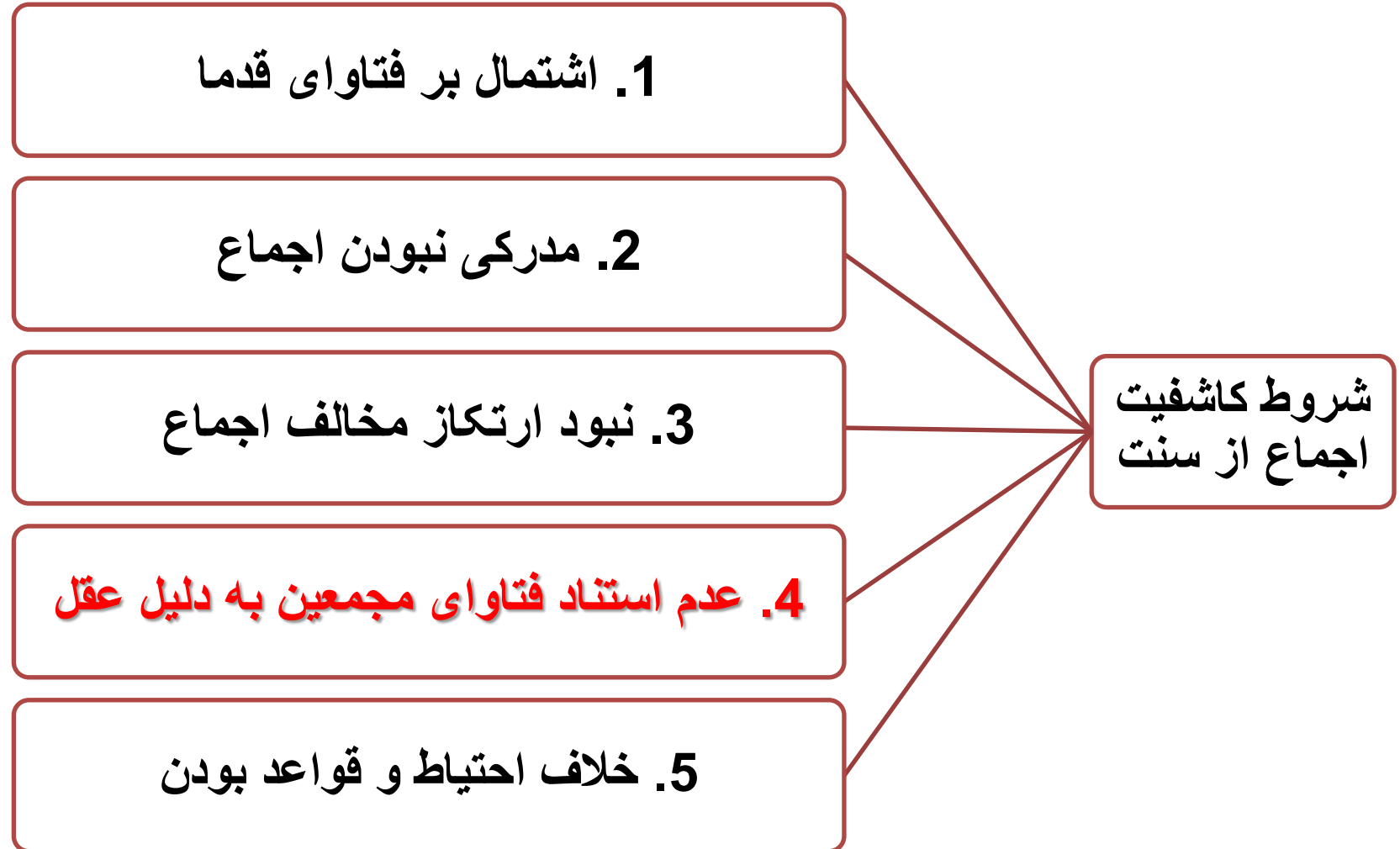
شروط کاشفیت اجماع از سنت

- بنابراین اگر در ذهن روات آن زمان، این بود که اهل کتاب ذاتاً نجس هستند، چرا دائم به این اشاره می‌کنند که این‌ها خمر و خنزیر می‌خورند.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- شهید صدر - رضوان الله عليه - می فرماید همین اشاره نشان می دهد که ارتکاز روات این بوده است که اهل کتاب ذاتاً نجس نیستند، بلکه چون شراب می خورند، خوک می خورند و معمولاً آب نمی کشند، بالعرض نجس می شوند.
- این نوع اجماع و این نوع ارتکاز قابل استناد نیست؛ زیرا می بینیم که ارتکازی مخالف با آن در زمان معصوم - علیه السلام - وجود دارد. پس معلوم می شود این ارتکاز بعدها و احتمالاً بر اثر بعضی از فتاوا پیدا شده باشد.

شروط کاشفیت اجماع از سنت



شروط کاشفیت اجماع از سنت

- ۴. عدم استناد فتاوی مجمعین به دلیل عقل
- شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرمایند مسأله مورد اجماع نباید امر عقلی باشد و گرنه در امور عقلی دیگر کاری به اجماع نداریم.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- امر عقلی امر تعبدی نیست؛ مثلاً اگر یک، بلکه صد روایت آمده باشد که اجماع نقیضین ممکن است، ارزشی ندارند؛ چون استحالة اجماع نقیضین یک امر عقلی و با تعبد شکسته نمی شود.
- بنابراین در بحث اجماع، نباید مسأله عقلی باشد؛ البته اجماعی که الآن بحث می کنیم، اجماع محصل بسیط است؛ یعنی همه فقها یکسان فتوا داده اند و ما خودمان فتاوی فقها را احراز کرده ایم نه اینکه برای ما نقل شده باشد.
- در واقع شرط چهارم به شرط دوم برمی گردد.

شروط کاشفیت اجماع از سنت



شروط کاشفیت اجماع از سنت

- ۵. خلاف احتیاط و قواعد بودن
- فتوای مورد اجماع، خلاف احتیاط و قواعد باشد تا معلوم شود هیچ فقیهی به استناد یک قاعده یا احتیاط فتوا نداده است.
- این پنج شرط در واقع به سه مطلب برگشت می‌کند و ایشان گاهی این شروط را در قالب چهار شرط بیان کرده‌اند. در واقع در بعضی موارد این شرایط را مبسوط و در مواردی مختصر بیان کرده‌اند.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- دقت کنید ایشان در این بحث اصلاً به مسأله خاصی مثل مسأله طهارت اهل کتاب یا طهارت دم متخلف در ذبیحه یا حرمت حلق لحيه نظر نداند، بلکه اگر به نحو کلی هر وقت در فرض وجود این شرایط اجماعی وجود داشت، حجت خواهد بود.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- شهید صدر - رضوان الله علیه - این بحث حجیت اجماع در فرض حصول شرایط مزبور را به صورت یک بحث کلی و قاعده‌مند مطرح کرده‌اند؛ یعنی اگر اجماع قدما با این شرایط در مسأله‌ای پیدا شود، ما آن را کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - تلقی می‌کنیم و لازم نیست برای هر مسأله به صورت خاص ارزش احتمالات را بررسی کنیم تا به یقین برسیم.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- به نظر می‌رسد حتی در فرضی که شهید صدر - رضوان الله علیه - برای تطبیق قوی مثال زد، اجماع به نحو کلی کاشف از رأی معصوم - علیه السلام - نیست؛ زیرا در این مورد هم احتمال بعضی از مضعفات وجود دارد؛ مثلاً ممکن است احتمال دهیم که این‌ها تحت تأثیر یکدیگر قرار داشته‌اند به خصوص که استاد و شاگرد بوده‌اند و در واقع یک نفر یا دو نفر به دلیل شهرت و اعتبارشان باعث شدند دیگران هم همین رأی را انتخاب کنند یا منشأ این رأی یک خطای مشترک است و مثلاً به دلیل عدم تنقیح یک مطلب علمی این فتوا صادر شده باشد.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- بنابراین ما اضافه بر آن شرایطی که شهید صدر - رضوان الله علیه - فرمودند باید این را در نظر بگیریم که **در اجماع قدما نباید احتمال تحت تأثیر قرار گرفتن آنها نسبت به یکدیگر را بدهیم و نباید احتمال دهیم که این فتوا نتیجه یک خطای مشترک بوده است.**
- اگر چنین احتمالاتی وجود نداشت، آن موقع بعید نیست که سخن شهید صدر - رضوان الله علیه - قابل قبول باشد.

شروط کاشفیت اجماع از سنت

- . همان.
- . همان، ص ۳۱۶.
- . همان.
- . همان.
- . همان، ص ۳۱۵.

• . شهید صدر - رضوان الله علیه - می فرمایند در دوره‌های قبل اصول مبانی منطقی استقراء برای من منح نبود و هنوز مطالب مطرح در الأسس المنطقیه لإستقراء را بحث نکرده نبودم. آن موقع گمان می‌کردم که در هر موردی از اجماع یا تواتر به طور خاص باید احتمالات مسأله را بررسی و حساب کرد؛ مثلاً در یک مسأله خاص همچون طهارت اهل کتاب در ابتدا باید تمام آراء فقها را جمع اوری کنیم. سپس برای هر یک از این آراء یک ارزش احتمالی در نظر بگیریم و بعد این ارزش‌های احتمالی را با هم جمع کنیم تا معلوم شود به اطمینان یا یقین می‌رسیم یا نه. به همین دلیل در بحث اجماع ملفق هم گمان می‌کردم که در فرضی که تعدادی از آراء فقها برای ما نقل شود به گونه‌ای که آن تعداد به تنهایی اطمینان یا یقین نسبت به رأی معصوم - علیه السلام - نمی‌آورد و ما بخواهیم یک مقداری از آراء فقهای را هم که خودمان احراز کردیم، به آن ضمیمه کنیم تا به یقین یا اطمینان برسیم، باید این فرض را به صورت موردی بررسی کنیم؛ یعنی ببینیم در این مورد خاص که سید مرتضی ره مثلاً قول سی فقیه را نقل کرده است آیا با انضمام قول بیست فقیه دیگری که خودم آن‌ها را احراز کرده‌ام اطمینان یا یقین پیدا می‌شود یا نه. چه بسا در این مورد خاص پیدا نشود و به جای قول بیست فقیه تا به قول پنجاه فقیه دیگر نیاز باشد. (رک: بحوث فی علم الأصول، ج ۴، ص ۳۱۹).